

## بنای سنگی سرماج، قلعه‌ای از دوره‌ی حسنویه بر روی سازه‌ای ساسانی

محمد اقبال چهری \*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

eghbal1262@yahoo.com

رامین چهری

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۴

(از ص ۱۷۳ تا ۱۸۸)

### چکیده

در سده‌ی ۴ هـ.ق. منطقه‌ی غرب ایران در کنترل حکام حسنویان قرار داشت؛ طبق متون تاریخی، قلعه‌ی سرماج در حدود سال ۳۴۸ هـ.ق. توسط حسنویه بنیان‌گذار سلسله، بر روی یک بنای سنگی قدیمی‌تر بازسازی شده است. احتمالاً حسنویه پایتخت اداری-شهری خود را در دینور و پایتخت نظامی-سیاسی را در قلعه‌ی بزرگ سرماج بنا نهادند. ضرورت انجام این پژوهش به دلیل شواهد معماری بنا از دوره‌های ساسانی-اسلامی و فعالیت‌های اندک انجام گرفته پیرامون آن است. این مقاله بر مبنای سؤالات و فرضیات پیش‌رو استوار است: ۱. براساس شواهد موجود، قلعه‌ی سرماج مربوط به چه دوره‌ای می‌باشد؟ ۲. با توجه به شواهد موجود و یافته‌های باستان‌شناختی، قلعه‌ی سرماج چه ارتباطی با دوره‌ی ساسانی دارد؟ ۱. براساس شواهد موجود، به نظر می‌رسد قلعه‌ی سرماج بنایی مربوط به دوره‌ی حسنویه است. ۲. باتوجه به بررسی و مطالعات نگارندگان، به نظر می‌رسد قلعه‌ی سرماج بر روی بنای مشابهی از دوره‌ی ساسانی احداث و بازسازی گردیده است. این بنا یکی از دژهای بزرگ ساسانی اسلامی با مساحت حدود ۱۶۰۰ متر مربع بوده که دارای شکل هندسی مربع‌مانند است. بیشتر مشخصات آن مانند: پلان، فرم، مصالح، دیوارها، حصار و خندق، سبک و سیاق بناهای مشابه دوره‌ی ساسانی از جمله کاخ ناتمام بیستون و معبد آناهیتای کنگاور را داشته است. دیوارهای سنگی بزرگ و کوچک حصار قلعه از مهم‌ترین عناصر معماری برجای‌مانده از قلعه هستند که بزرگ‌ترین و سالم‌ترین آن‌ها، دیواره‌ی جنوبی قلعه است. همچنین چندین قطعه از سنگ‌های کتیبه‌دار مزین به خط کوفی مزهر از قلعه به‌دست آمد که متأثر از هنر عباسی بوده و صحت انتساب بنا را به دوره‌ی حسنویه می‌رساند. در نهایت متون تاریخی و یافته‌های میدانی میزان انتساب بنا را به دو دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلامی (حسنویه) تأیید می‌نمایند؛ اما برای تثبیت قطعی این فرضیات نیاز به پژوهش‌های بیشتر، خصوصاً انجام کاوش‌های هدفمند و علمی ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژگان:** دوره‌ی ساسانی، حسنویان، قلعه‌ی سرماج، بنای سنگی، معماری.

## مقدمه

در متون تاریخی پیرامون تاریخ حکام حسنویه و اهمیت آنان در منطقه، مطالبی موجود است؛ براساس این متون، در نیمه‌ی اول قرن چهارم هـ.ق، خاندان حسنویه، از معاصران حکومت قدرتمند آل بویه، قیام کرده و به قدرت رسیدند. قلمرو اصلی حسنویان در کرمانشاه و لرستان کنونی بوده و مرکزیت آنان در شهر دینور و قلعه‌ی سرماج هرسین قرار داشته است. این دژ مستحکم، مرکزیت نظامی-سیاسی آنان بوده و این میزان اهمیت قلعه را نشان می‌دهد. انتخاب سرماج به‌عنوان مقر اصلی حسنویان، مستلزم دو ویژگی مهم بود؛ نخست، موقعیت جغرافیایی-سیاسی منطقه و سرماج که متشکل از منطقه‌ای کوهستانی مسلط و مشرف بر دشت بزرگ چمچمال است و شاهراه تجاری خراسان-بغداد از نزدیکی این قلعه و از کنار کوه بیستون گذر می‌کرد. دوم، این که حسنویه برای احداث قلعه از مصالح کاخ ساسانی استفاده نموده و مجدداً این بنا را بازسازی نموده‌اند و این امر، سهل‌تر از آن بود که آنان قلعه‌ای با این وسعت را کاملاً از نو بسازند. متأسفانه امروزه از دژ سرماج به‌غیر از دیوار بزرگ حصار جنوبی و چند دیوار از حصارهای غربی و شمالی، تعدادی از پی دیوارها، بقایای خندق جلو قلعه و سنگ‌های تراش‌دار و بدون تراش بنا چیزی به‌جای نمانده است. از مهم‌ترین عوامل تخریب و آسیب به بنای قلعه را می‌توان استفاده‌ی بی‌رویه اهالی روستا از سنگ‌های قلعه به‌منظور ساخت خانه‌ها و به‌ویژه سنگ قبور از قدیم‌الایام تاکنون، انتقال تعدادی از سنگ‌ها به‌منظور ساخت پل چهر در دوره‌ی پهلوی اول و البته محاصره‌ی چهار ساله‌ی قلعه و سپس ویرانی آن توسط طغرل سلجوقی دانست.

## سؤالات و فرضیات پژوهش

۱- براساس شواهد موجود، قلعه‌ی سرماج مربوط به چه دوره‌ای می‌باشد؟ ۲- با توجه به شواهد و یافته‌های باستان‌شناختی، این قلعه چه ارتباطی با دوره‌ی ساسانی دارد؟ ۱. براساس شواهد موجود، به‌نظر می‌رسد قلعه‌ی سرماج بنایی مربوط به دوره‌ی حسنویه است. ۲. با توجه به بررسی میدانی و مطالعات نگارندگان، به‌نظر می‌رسد قلعه‌ی سرماج بر روی بنای مشابیه‌ی از دوره‌ی ساسانی احداث و بازسازی شده است.

## روش انجام پژوهش

روش پژوهش این جستار، مبتنی بر دو روش مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است. مطالعات میدانی، شامل بررسی باستان‌شناختی در منطقه و همچنین مطالعه و تحلیل یافته‌های باستان‌شناسی موجود در قلعه‌ی سرماج بوده است. روش کتابخانه‌ای نیز شامل مطالعه‌ی کتب، مقالات و گزارش‌های منتشر شده از پژوهش‌های انجام شده در منطقه و مرتبط با بنا می‌باشد.

## ضرورت انجام پژوهش

قلعه‌ی سرماج از مهم‌ترین بناهای اوایل اسلامی منطقه است؛ باوجود مطالعات انجام شده توسط محققین و میزان اندک پژوهش‌های تخصصی صورت‌گرفته در

مورد بنا، مدارک مستدل برای مشخص نمودن هویت واقعی بنا ارائه نگردیده و تمامی این مطالعات صرفاً به یک توصیف کلی، پراکنده و ناقص از بنا محدود می‌شوند. میزان اهمیت این پژوهش هنگامی افزون می‌گردد که شواهدی دال بر وجود یک بنای مشابه ساسانی در زیر ساخت قلعه دیده می‌شود؛ بنابراین به‌منظور تحلیل و تکمیل مدارک باستان‌شناختی و پاسخ به سؤالات و سنجش فرضیات با شیوه‌ی فرضی-استنتاجی، ضرورت انجام یک مطالعه و بررسی علمی در محدوده‌ی قلعه احساس می‌گردد.

### پیشینه‌ی پژوهشی بنا

نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی مربوط به قلعه‌ی سرماج، توسط هوزینگ در اوایل دهه ۱۹۲۰ م. انجام پذیرفت (Husing, 1921). پس از آن، مهم‌ترین فعالیت‌ها توسط هیأتی آلمانی به‌سرپرستی کلایس، کالمایر، هابنتس و لوشای در سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۷ م. در دشت بیستون و قلعه‌ی سرماج انجام گردید. در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌هایی اندک صورت گرفته که از جمله بررسی منطقه توسط محمدی‌فر و مترجم (۱۳۸۱)، و نگارندگان (۱۳۸۷) است که حاصل از این فعالیت‌ها، تنها معرفی قلعه‌ی سرماج به‌عنوان بنایی مربوط به دوره‌ی آغاز اسلامی بوده است؛ اما تاکنون، پژوهشی تخصصی آن‌چنان که بایسته‌ی آن است، در مورد بنا انجام نشده است.

### موقعیت جغرافیایی هرسین

شهرستان هرسین در ۳۵ کیلومتری شرق استان کرمانشاه، در خط مرزی این استان با استان لرستان قرار دارد؛ مساحت آن، ۸۱۶ کیلومتر مربع و متوسط ارتفاع آن از سطح دریا بیش از ۱۵۵۰ متر است. هرسین از شرق و جنوب به دلفان، از غرب به کرمانشاه و از شمال به صحنه و دینور متصل است. از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت بیستون و هرسین (مرکزی) تقسیم می‌شود که این مناطق، دارای شرایط جغرافیایی کاملاً متفاوتی هستند. در این شهرستان رودخانه‌های دینورآب و گاماسی‌آب جریان دارند. مهم‌ترین ارتفاعات، شامل کوهستان شیرز با ۲۷۰۰ و قلعه‌ی بزرگ پرآو با ۲۸۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا می‌باشد. دشت چمچمال، دشت کوچک هرسین و دره‌ی درآو، دشت‌ها و دره‌های مهم منطقه هستند. هوای منطقه معتدل است و بیشتر پوشش گیاهی منطقه را مراتع و مزارع شکل داده است، جنگل‌های وحشی نیز به‌میزان کمتر و پراکنده دیده می‌شود (تصویر ۱).

### منابع تاریخی و قلعه‌ی سرماج

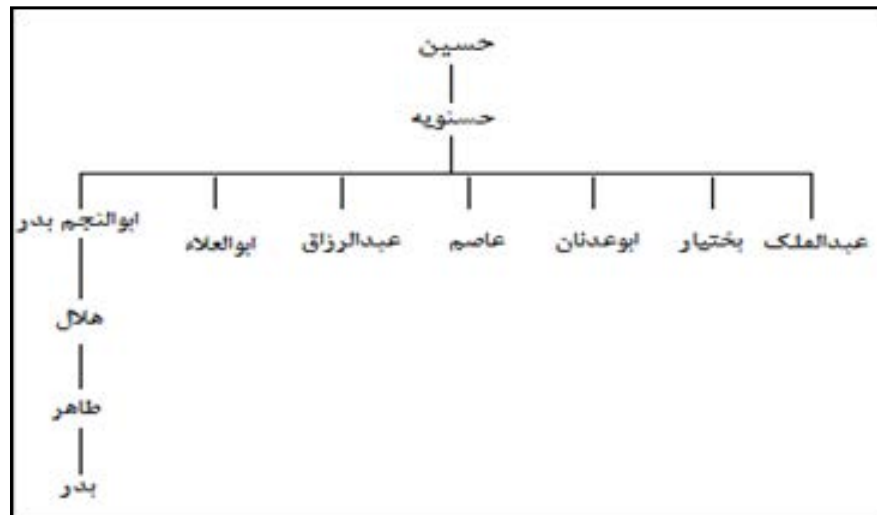
مقارن با انقراض امپراتوری ساسانی و ورود اعراب، این منطقه نیز مانند دیگر مناطق ایران به‌تصرف اعراب درآمد (۱۹-۲۱ ه.ق.). احتمالاً هنگامی که اعراب برای فتح نهاوند می‌رفتند، از بیستون و هرسین گذشته و آن‌جا را تصرف نموده‌اند؛ بنابراین اگر مسیر آن‌ها را همان شاهراه بغداد به بیستون و اکباتان بدانیم، احتمالاً اعراب از پل خسرو گذشته و پس از عبور از تخت‌شیرین و سرماج به نهاوند رفته و سپاه یزدگرد سوم را مغلوب کرده‌اند (گلزاری، ۱۳۵۸: ۳۸۳). پادشاهی حسنیویان



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان هرسین (چهری، ۱۳۸۸: ۶۳). ◀

از حکومت‌های منطقه‌ای غرب ایران بوده و مؤسس آن، «میرحسین» رئیس عشیره‌ی بزرگانی بود که حکومتش را در ۳۳۰ هـ.ق. از شهر زور آغاز نمود (۴۹۵-۳۳۰ هـ.ق.)؛ اما «حسنوی» فرزند میرحسین، به‌عنوان بنیان‌گذار آن شناخته شده است (زکی بیگ، ۱۳۸۱: ۷۰، ۶۷). حسنویه در سال ۳۴۸ هـ.ق. در کردستان قیام کرد و در عصر دیلمیان و آل بویه، بر دینور، نهاوند، همدان، حلوان، شهرزور و لرستان کنونی مسلط شد (اذکایی، ۱۳۷۴: ۶۸۵)؛ وی مقرر حکومت خود را در قلعه‌ی سرماج نزدیک بیستون قرار داد. خلیفه‌ی عباسی، استقلال او را تأیید و او و پسرش، بدر را ناصرالدوله لقب داد. حسنویه به سال ۳۶۹ هـ.ق. در سرماج وفات یافت (گلزاری، ۱۳۵۸: ۱۲۳). خواندمیر در کتاب *حبیب‌السیر می‌نویسد*: «حسنویه در ایام دولت خود در دینور مسجد جامع بنا کرده و در تعمیر قلعه‌ی سرماج لوازم اهتمام به‌جای آورد» (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۳۸). در این‌جا اشاره به کلمه‌ی تعمیر قلعه توسط حسنویه، نکته‌ای مهم است؛ حسنویه قلعه‌ی سرماج را که احتمالاً از زمان ساسانی برجای مانده بود، بازسازی و مقرر پادشاهی خویش نمود. ابن‌اثیر می‌گوید: «حسنویه دژ سرماج را با تخته‌سنگ‌های بزرگ بنا کرد و در دینور مسجدی بر همان طراز بساخت» (ابن‌اثیر، ۱۳۵۱: ۱۲۰). گلزاری نیز اذعان می‌دارد: «در آن‌جا یک سکوی بزرگ سنگی موجود است که قسمتی از سنگ‌های آن را یکی از کردها کنده و با آن دژ بزرگی به‌نام سرماخ (سرماج) در کوهی مشرف بر این قریه بنا نموده» (گلزاری، ۱۳۵۸: ۴۲۶). همچنین به گفته‌ی لوشای، بنای اولیه کاروانسرای مغولی بیستون را حسنویه پی‌نهاده است (لوشای، ۱۳۸۵: ۲۶۴). حکومت حسنویه هم‌زمان با حکومت معزالدوله دیلمی در بغداد بود. با مرگ حسنویه، برخی پسرانش به عضدالدوله و برخی به برادرش «فخرالدوله» دیلمی پیوستند. با آمدن «عضدالدوله» از بغداد به همدان، «ابوالنجم بدر» با اطاعت از وی به ریاست‌گردان منصوب گشت؛ شاه دیلمی قصد تصرف شهر زور نمود، اما مغلوب شد و حسنویان پیروز و غنایم بسیاری به‌دست آوردند (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۳). معزالدوله مجدداً تجدید قوا نموده و به دینور رفت و آن‌جا را غارت نمود، ولی نهایتاً مجبور شد به گرگان برگردد و ناچار با حسنویه صلح کرد و قرار شد پنجاه‌هزار سکه‌ی طلا به‌عنوان غرامت به آنان بپردازد و در خطبه با نام وی، نام حسنویه نیز خوانده شود (مردوخ، ۱۳۶۶: ۴۱). مدتی بعد، «ابوعدنان» و «بختیار» به سرماج آمده و ذخایر پدر را تصرف کردند. بختیار از برادران جدایی‌گزید و به عضدالدوله نامه نوشت و اظهار تمایل

کرد که قلعه را به او واگذار کند و از حمایت او برخوردار شود. عضدالدوله، آن‌ها را محاصره و قلعه را تصرف کرد. دلیل اصلی انقراض حسنویان اختلافات بین پسران حسنویه بوده است (فقیه‌ی، ۱۳۶۵: ۲۴۴). از فرزندان حسنویه، فقط «ابوالنجم بدر» (۳۶۹-۴۰۵ هـ.ق.) مقام یافت و سایر برادران توسط عضدالدوله و مؤیدالدوله کشته شدند. محدوده‌ی حکومت بدر، شامل: دینور، شاپورخواست، نهاوند، اسدآباد، بروجرد، اهواز، چند شهر نزدیک خوزستان و گاهی قزمیسین، زور و خلوان می‌شد. بدر با درایت توانست قدرتش را حدود ۳۵ سال نگه‌دارد. پس از مرگ وی، نوه‌اش «طاهر ابن هلال» و «بدر ابن طاهر» مدتی کوتاه حکومت کردند. بدر ابن طاهر در ۴۳۸ هـ.ق. از سوی سلجوقیان به حکومت کرمانشاه و دینور رسید و یک سال بعد در قلعه‌ی سرماج درگذشت (ابن مسکویه، بی‌تا: ۴۱۵)، (تصویر ۲). پس از حسنویه، قلعه‌ی سرماج و منطقه، مدتی تحت سلطه‌ی دیلمیان و سپس «ابراهیم ینال» برادر طغرل سلجوقی بود که نهایتاً طغرل با سپاهی بالغ بر یکصد هزار نفر قلعه را چهار سال محاصره، و نهایتاً از برادر پس گرفت (گلزاری، ۱۳۵۸: ۱۳۳). لوشای به نقل از هوزینگ، اذعان می‌دارد که قلعه‌ی سرماج «کاملاً روی ویرانه‌های یک تأسیسات ساختمانی ظاهراً ساسانی بنا گردیده است» (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۴). متون تاریخی نشان‌دهنده که پس از اوایل دوره‌ی سلجوقی، دیگر نامی از قلعه‌ی سرماج نیامده است؛ برای مثال، حمدالله مستوفی در قرن هشتم هـ.ق. از کردستان و شانزده ولایت آن در کتاب *نزهة القلوب* نام‌برده و دینور و سلطان‌آباد چمچمال را از ولایات آن دانسته، ولی اسمی از سرماج دیده نمی‌شود (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۳).



► تصویر ۲. شجره‌نامه‌ی حکام حسنویه (گلزاری، ۱۳۵۸: ۱۲۴).

### توصیف بنای قلعه‌ی سرماج

قلعه‌ی سرماج از نوع قلاع کوهستانی است که مصالح به‌کار رفته در ساخت آن، سنگ‌های تراش‌دار و بدون تراش، لاشه‌سنگ، آجر، خشت، گچ و ساروج می‌باشد. این قلعه را احتمالاً باید از نوع قلاع نظامی مسکونی دانست؛ چراکه در فضای داخلی آن، احتمالاً خانه‌های مسکونی قرار داشته و براساس متون تاریخی ذکر شده، برخی از شاهان در داخل قلعه زندگی کرده و ظاهراً مدفن دو تن از شاهان

حسنویه (حسنویه و بدر ابن طاهر) بوده است (ابن مسکویه، بی‌تا: ۴۱۵)، (تصویر ۳). قلعه در منطقه‌ای کوهستانی، در ۷ کیلومتری جنوب‌شرقی بیستون، مسلط بر دشت چمچمال و جاده‌ی مهم شاهی ساخته شده که هم‌اکنون در بافت کنونی روستای سرماج قرار دارد. قلعه از جهات جنوب، شرق و غرب توسط کوهستان دربر گرفته شده و در ضلع شمالی آن، دشت بزرگ چمچمال قرار دارد (تصویر ۴). برخی محققان، مانند هوزینگ (Husing, 1921)، بنای سرماج را چنین توصیف می‌کند: «بنا کاملاً روی ویرانه‌های یک تأسیسات ظاهراً ساسانی بنا شده که در



تصویر ۳. تصویر هوایی از روستا و قلعه‌ی سرماج (Google Earth).



تصویر ۴. سنگ‌های تراش‌دار ساسانی در داخل خانه‌های مسکونی و قبرستان سرماج (نگارندگان، ۱۳۹۴).

قرن ۴ هـ.ق. مقرّ پادشاهی حسنویه بوده و در سال ۱۰۴۹ م.، پس از یک محاصره‌ی چهار ساله، به‌وسیله‌ی طغرل فتح شده است. لوشای که در سال ۱۹۶۲ م.، از قلعه دیدن نموده، در مورد آن می‌گوید: در مرکز روستا بقایای قلعه عظیمی با ابعاد ۴۰۰×۴۰۰ متر همراه با آثاری از یک حصار جنوبی برجای مانده است. این میزان مساحت بسیار بزرگ بوده و در کمتر پناهی در منطقه دیده می‌شود. روکار دیوارهای اصلی قلعه را با سنگ‌های نسبتاً بزرگ ساخته‌اند که تعدادی از آن‌ها سنگ‌های تراش‌خورده‌ی مکعب‌مستطیل و احتمالاً ساسانی هستند، اما قسمت‌های داخلی دیوارها را با لاشه‌سنگ و ملات گچ و ساروج پُر نموده‌اند (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۵-۴۰۴). با این اطلاعات مقدماتی، نگارندگان اقدام به بررسی باستان‌شناختی محوطه و ثبت‌وضبط یافته‌های موجود در آن پرداختند. در جریان بازدید از محل، بقایای خندقی که ضلع شمالی-شرقی قلعه را دربر گرفته بود، مشاهده گردید؛ هرچند که براساس یافته‌های سطحی، آثار دروازه‌ی قلعه مشخص نبود، اما با ردیابی دیوارها و نیز وجود خندق در جلوی قلعه، و شرایط محیطی و تصاویر هوایی، احتمالاً دروازه در ضلع شمالی-شرقی بنا قرار داشته است. بنابراین قلعه با وجود یک دروازه‌ی اصلی، یک خندق و همچنین دیوارهای بلند و ستبر سنگی و کوهستان‌های طبیعی اطراف آن، از شرایط تدافعی بالایی برخوردار بوده است. چهار دیوار بزرگ و طویل سنگی پیرامون قلعه را احاطه نموده و حصار مستحکم و استوار را تشکیل داده بودند که امروزه دیواره‌ی ضلع جنوبی سالم‌تر از سایر دیوارها باقی‌مانده است. به فاصله‌ی حدود ۸۰ متری اضلاع شمالی-جنوبی قلعه، بقایای تل مانند، احتمالاً از دو برج نگهبانی دیده می‌شود. دیوار جنوبی قلعه هم‌اکنون با ۷ متر ارتفاع دارای طول ۳۷ متر و پهنای ۴ متر می‌باشد که روکش خارجی این دیوار متشکل از سنگ‌های بزرگ تراش‌دار و بیشتر بدون تراش مربع و مستطیل شکل است. قسمت داخلی دیوار هم با لاشه‌سنگ‌ها و ملاط ساروج و گچ و خاک پُر شده است. لایه‌ی داخلی نیز احتمالاً مانند لایه‌ی خارجی بوده است. سنگ‌های به‌کار رفته در دیواره‌ی خارجی در ۷ ردیف افقی به‌کار رفته‌اند (تصویر ۵)؛ البته این میزان قابل‌مشاهده بقایای امروزی دیوار است و به احتمال



► تصویر ۵. دیواره‌ی جنوبی، دید از جهات متفاوت (پایین سمت چپ: ضخامت دیواره‌ی جنوبی)، (نگارندگان، ۱۳۹۴).



▲ تصویر ۶. دیوارهای حصار غربی (نگارندگان، ۱۳۹۴).

زیاد ارتفاع دیوار و ردیف سنگ‌ها بیشتر بوده، خصوصاً این‌که چند ردیف از سنگ‌ها زیر خاک مدفون است که هم نقل‌قول اهالی روستا و هم وجود خاک آوار پای دیوارها نشان از تأیید این مطلب است. همچنین لوشای ردیف سنگ‌ها را در گذشته ۹ ردیف معرفی کرده است (تصویر ۹). در سال‌های اخیر یک فعالیت حفاظتی بسیار جزئی توسط سازمان میراث‌فرهنگی استان بر روی این دیوار انجام گرفته که تنها چند قسمت از دیوار و درز سنگ‌ها را با ملاط سیمان پُر نموده‌اند تا بدین‌گونه مانع از تخریب بیشتر آن شوند. در ضلع غربی بنا نیز دو دیوار با فاصله‌ی اندک از یکدیگر قرار گرفته‌اند. دیوارها در دو قسمت متقاطع، یکی به طول ۲۰ متر و ارتفاع ۲/۸۰ و دیگری به طول ۱۳ و ارتفاع ۱/۵۰ متر می‌باشد. در فاصله‌ی ۴ متری از قسمت بالای این دیوار و به‌موازات آن، دیوار دوم به طول ۱۲ متر دیده می‌شود که ارتفاع آن از یک تا چهار متر متغیر است (تصویر ۶). چند سنگ بزرگ تراش‌خورده ظاهراً ساسانی در این دیوار دیده می‌شود. بقایای سنگی یک کانال آب در حصار غربی در قسمتی که دو دیوار به موجب تخریب از هم جدا گشته‌اند، دیده می‌شود که اطراف و بالای آن را به‌طور منظم با سنگ چیده‌اند (تصویر ۷). در ضلع شمالی قلعه نیز مانند ضلع غربی، بقایای دو دیوار بزرگ دیده می‌شود. دیواری که سالم‌تر مانده است، سازه‌ای طویل با حدود

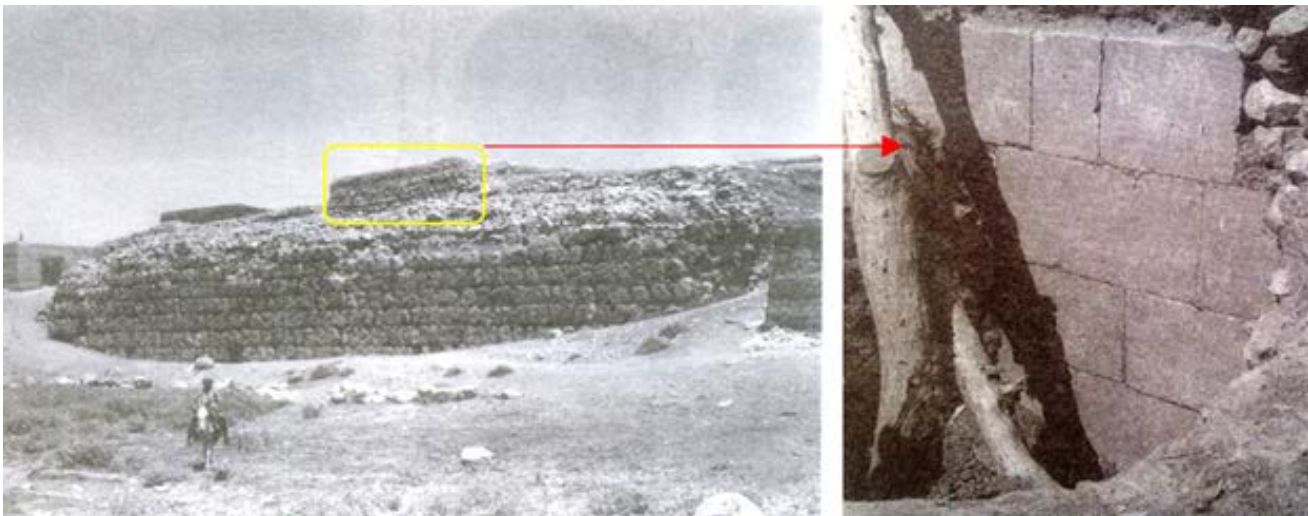


▲ تصویر ۷. کانال آب در دیواره‌ی غربی (نگارندگان، ۱۳۹۴).



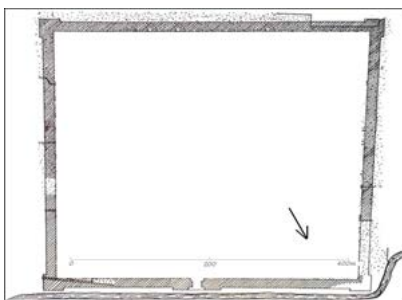
تصویر ۸. دیواره‌ی حصار شمالی و دیواری دیگر در جلو آن (نگارندگان، ۱۳۹۴). ◀





▲ تصویر ۹. دیوار ساسانی تراس با سنگ‌های تراش‌دار، دیواره‌ی جنوبی (لوشای، ۱۳۸۵: ع ۶۱).

۲۵ متر طول و دارای ارتفاع ۲/۵۰ متر است (تصویر ۸). به‌غیر از این دیوارها و در موازات آن‌ها، تقریباً در تمام اضلاع بنا پی‌های سنگی دیده می‌شود که نشان از وجود دیوارهای دیگر دارد. آن‌چه که مشخص است، ابعاد این دیوارها تقریباً مشابه حصارهای باقی‌مانده است که با فاصله‌ی نزدیک حدود پنج متری از دیوارهای حصار و موازی با آن‌ها در خطی مستقیم ساخته شده‌اند، اما تا آغاز عملیات کاوش نمی‌توان نظری قطعی در مورد ارتباط و کارایی این دیوارها اذعان داشت، ولی شاید بتوان آن‌ها را دیوارهای دوم حصار تلقی نمود که با ابعادی کمتر در مقایسه با دیوار بیرونی ساخته شده است. بیشترین آثار از این دیوارها در ضلع پیشین (شمالی) قلعه دیده می‌شود؛ همچنین نشانه‌هایی از آن‌ها در اضلاع غربی و جنوبی دیده می‌شود. در ضلع شرقی بنا به‌غیر از چند قسمت کوچک، بقایایی از دیوار قلعه دیده نمی‌شود، اما باید دقت نمود که ساخت‌وسازهای مسکونی در دهه‌ها و سال‌های اخیر در این قسمت، بیشتر از هر ضلع دیگر بنا انجام شده است که این موضوع می‌تواند موجب تخریب آثار معماری در این ضلع از قلعه را فراهم آورده باشد؛ کمان که در داخل خانه‌های مسکونی این محدوده سنگ‌های تراش‌دار ساسانی مشاهده گردید، اما قسمتی از دیوار قلعه در گذشته توسط لوشای عکس‌برداری شده است. این دیوار از چهار ردیف سنگ‌های تراش‌دار مکعب مستطیل شکل ساخته شده که هر یک به بلندی ۶۰ سانتی‌متر بوده و در آن از ملات گچ نیم‌کوب استفاده شده است (تصویر ۹). لوشای این دیوار را بی‌گمان از قلعه‌ای ساسانی می‌داند و یادآور می‌شود که هوزینگ نیز همین نظر را دارد و معتقد است از نظر ظرافت کار، بر همه‌ی آثار سنگی، تا آن زمان شناخته شده‌ی ساسانی با سنگ‌های مکعب‌مستطیل (آتشکده‌ی بیشاپور، تراس فیروزآباد، پل فیروزآباد، پل بیستون و تاق‌گرا) رجحان دارد. به‌نظر وی، احتمالاً راولینسون نیز این دیوار و قلعه را دیده است. وی یادآور می‌شود، این دیوار که اندکی شیب‌دار بوده، همان تراس بنا می‌باشد که زمانی قلب تمام تأسیسات بوده و فرمانروای ساسانی می‌توانسته در آن‌جا نمایندگان سایر ملل را به حضور بپذیرد (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۴). متأسفانه ساخت‌وسازهای جدید این دیوار را در زیر خاک دفن نموده و اطلاع بیشتری از آن در دست نیست. درنهایت شاید بتوان با اقدام



▲ تصویر ۱۰. پلان قلعه‌ی سرماج (نگارندگان، ۱۳۹۴).

به حفر یک گمانه‌ی آزمایشی در قسمت حصار جنوبی که تراس در بالای آن بوده، آثاری از دیوارها و سنگ‌های ساسانی را از زیر خاک بیرون آورد؛ اما در داخل برخی از خانه‌های مسکونی اهالی روستا و در داخل دیوارهای این منازل (قسمت شرقی قلعه) و همچنین در داخل قبرستان واقع در میانه‌ی روستا، تعدادی از سنگ‌های تراش‌دار احتمالاً ساسانی مشابه سنگ‌هایی که لوشای اشاره می‌کند، مشاهده گردید (تصویر ۴). سنگ‌های آهکی تراش‌دار قلعه‌ی سرماج را می‌توان قابل‌مقایسه و مشابه با نمونه‌ی سنگ‌های تراش‌دار در بنای آناهیتای کنگاور، کاخ خسرو، و نیز دو پل ساسانی بیستون و همچنین بلوک‌های تراش‌دار مشابهی که اخیراً از محوطه‌ی سراب هرسین به‌دست آمده‌اند (چهری، ۱۳۹۶) دانست. در دو پل ساسانی بیستون نیز پایه‌ها و قسمتی از بدنه را با همین نوع سنگ‌های تراش‌دار آهکی ساخته‌اند. با در نظر گرفتن فاصله‌ی نزدیک بیستون-سرماج و نیز احداث پلی بر روی رودخانه‌ی گاماسی‌آب متعلق به خسرو دوم، بین بنای بیستون و سرماج و تخت‌شیرین، و همچنین قلعه و سایر آثار ساسانی هرسین، احتمالاً بتوان مدعی ارتباط میان قلعه‌ی سرماج، و بناهای بیستون و هرسین شد. اما پلان قلعه‌ی سرماج کاملاً مربع‌شکل است (تصویر ۱۰). قلعه از این نظر مشابه با بنای آناهیتا در کنگاور و کاخ ناتمام خسرو دوم در بیستون و البته قلعه‌ی ساسانی هرسین است که البته همگی بناهای مذکور، دارای پلان مربع یا مربع‌مستطیل شکل هستند. در دوره‌ی پهلوی اول بر روی رودخانه‌ی گاماسی‌آب (گاماسی‌آب) پلی احداث گردیده که پل «چهر» نام دارد، اکثر سنگ‌هایی که در ساخت این پل به‌کار رفته‌اند از قلعه‌ی سرماج و احتمالاً برخی نیز از بیستون آورده شده‌اند. گواه این امر هم، سبک و فرم آن‌ها و نام روستای سرماج بر روی برخی سنگ‌قبر و به گفته‌ی اهالی سال‌خورده‌ی منطقه است که در ساخت این پل کمک نموده‌اند. تعدادی سنگ‌های تراش‌دار شبیه نمونه‌های قلعه‌ی سرماج، در پل چهر نیز دیده می‌شوند. از نکات مهم دیگر، وجود علائم حجاری بر روی برخی از سنگ‌های پل چهر، شبیه علائم سنگ‌های کاخ بیستون است (تصویر ۱۱). متأسفانه به‌دلیل قرارگیری بافت روستا بر روی قلعه و مدفون شدن کامل قلعه در زیر خانه‌های روستاییان، نمی‌توان اطلاعات بیشتری از وضعیت بنا و جزئیات پلان آن به‌دست آورد.

### سنگ‌های کتیبه‌دار قلعه‌ی سرماج

در روستای سرماج، دو قطعه‌سنگ مزین به خط کوفی متعلق به دوره‌ی حسنویه به‌دست آمده که در موزه تهران نگهداری می‌شود (رحیمی، ۱۳۷۹: ۹۸)؛ اما در طی بررسی نگارندگان، چهار قطعه سنگ مشابه دیگر، مزین به خط کوفی مزهر‌گره‌دار به‌دست آمد که دو قطعه در بالای پل چهر<sup>۱</sup> و دو قطعه‌ی دیگر در قبرستان روستای شاه‌آباد سفلی<sup>۲</sup> قرار دارند (تصویر ۱۲). البته در پل چهر، احتمالاً نمونه‌های بیشتری موجودند؛ چراکه این دو نمونه با تخریب قطعه سنگ‌های سطح کنگره‌ی پل نمایان شده‌اند. در مجموع تعداد ۶ قطعه سنگ مستطیلی‌شکل شکسته شده تاکنون از قلعه‌ی سرماج موجود است. نمونه‌های پل چهر کوچک

۱. پل چهر در ۵ کیلومتری غرب سرماج، بر روی رودخانه گاماسی‌آب و در دوره‌ی پهلوی اول ساخته شده است.

۲. روستای شاه‌آباد سفلی در فاصله‌ی ۳ کیلومتری شرق روستای سرماج قرار دارد.



► تصویر ۱۱. پل چهار، سنگ‌های تراش‌دار، علائم حجار و سنگ قبور (نگارندگان، ۱۳۹۴).

است و تنها قسمتی از حاشیه‌ی تزئینی خطوط کوفی کناری سنگ باقی‌مانده است (تصویر ۱۳). ظاهراً این نمونه‌ها از قلعه‌ی سرماج هنگام ساخت پل به آن‌جا منتقل شده‌اند. دو قطعه سنگ قبرستان روستای شاه‌آباد، مشابه با نمونه‌های موجود در موزه است. در اطراف کتیبه‌ها، دو ردیف نقوش هندسی تزئینی به‌شکل مثلث‌های روی‌هم‌قرار گرفته با دایره و نوارهای خمیده وجود دارند. در مرکز این نوارهای خمیده‌ی جفتی، یک دایره‌ی بزرگ با سوراخی در وسط به‌شکل چشم دیده می‌شود. در مورد مثلث‌ها و فضای خالی بین آن‌ها، هنرمند کاملاً قضیه بعد‌نمایی و عمق دادن به آن‌ها را رعایت کرده است؛ به‌طوری‌که ابتدا در نظر بیننده صرفاً چند ردیف مثلث‌های کنده دیده می‌شود، اما با دقت در تصویر ملاحظه شده، هدف اصلی از ایجاد این مثلث‌ها، نقش مرکزی توپُر آن است که به‌شکل غنچه‌های قلبی‌شکل نوک‌تیز با ساقه‌ای در انتها دیده می‌شوند. در فضای خالی موجود در طرفین این مثلث‌های کنده، نقوش توپُر دیگری به‌شکل سه مثلث روی‌هم‌قرار گرفته وجود دارد. نکته این‌جاست که تمامی این قطعات مستطیلی‌شکل ناقص بوده و آثار شکستگی و تخریب در آن‌ها دیده می‌شود، لذا می‌توان احتمال داد تمامی شش کتیبه در اصل، متعلق به یک کتیبه‌ی بزرگ سنگی آهکی بوده که پس از تخریب، از این سنگ‌ها در قبرستان روستای سرماج و روستاهای اطراف استفاده شده است. از دیگر تزئیناتی که در خطوط کوفی به‌کار رفته، شاخه‌های تزئینی پیچ‌خورده، برگ‌های سه کاسبرگی و گل‌های دایره‌ای‌شکل با سوراخی در مرکز است. در تزئینات سنگ‌نشسته‌ها تأثیر هنر دوره‌ی عباسی کاملاً مشهود است. به‌دلیل ناقص بودن سنگ‌ها و کتیبه‌ها، نمی‌توان مضامین آن‌ها را تشخیص داد، اما احتمالاً این مضامین مذهبی، یا برگرفته از آیات قرآن می‌باشند. در یکی از قطعات سنگی یافت شده‌ی روستای شاه‌آباد، عبارت کلمه‌ی «الله» و در سنگ کتیبه‌ی موزه نیز عبارت «محمد» قابل تشخیص است.



▲ تصویر ۱۲. کتیبه‌ها با خط کوفی مزهر، روستای شاه‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۴).



▲ تصویر ۱۳. کتیبه‌های کوفی با خط کوفی مزهر، پل چهر (نگارندگان، ۱۳۹۴).

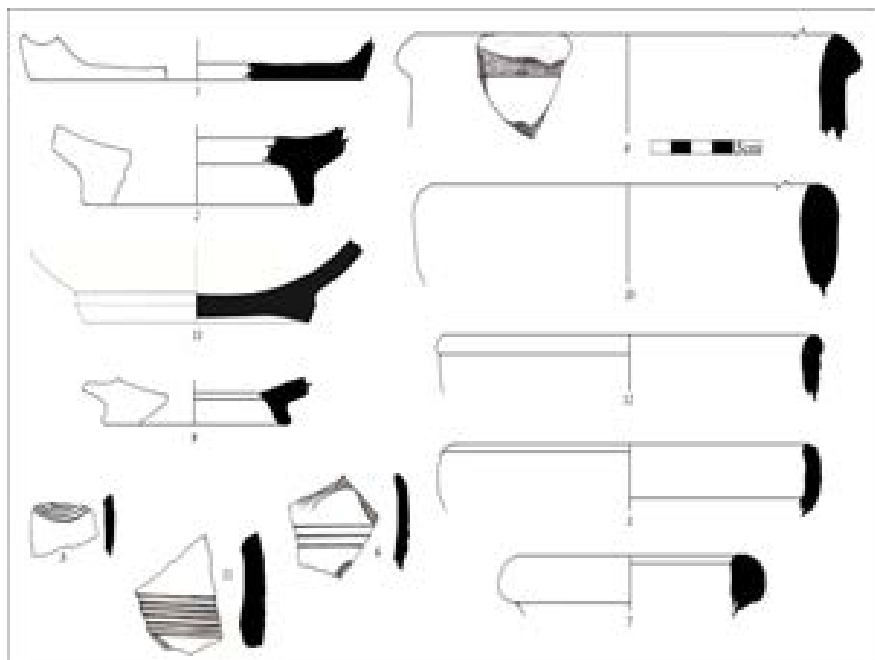
### یافته‌های فرهنگی

منظور از یافته‌های فرهنگی، نمونه سفال‌هایی است که در بررسی از محل مشاهده و نمونه‌برداری گردید. براساس بررسی به‌عمل آمده، قدیمی‌ترین نمونه سفال‌های محل، متعلق به دوران مس‌وسنگ بود که شامل سفال‌های پوشش قرمز (Red Slip) مس‌وسنگ جدید و احتمالاً میانه بودند. این سفال‌ها، شامل قطعاتی از بدنه‌ی ظروف خشن دست‌ساز با پخت ناکافی، شاموت گیاهی و خمیره‌ی خاکستری هستند که سطح آن‌ها را با لعاب گلی غلیظ به رنگ قرمز پوشانده‌اند. برخی از این سفال‌ها با گودین VII و VI قابل مقایسه‌اند (Young, 1969: 3-6)، اما اکثر نمونه سفال‌های دوران تاریخی، از نوع ظروف معمولی هستند که شامل سفال‌هایی با گردن بلند و لبه‌های عمودی استوار بر گردن و نمونه‌های لبه برگشته از دوره‌های ساسانی و اشکانی و نیز سفالینه‌های دوره‌ی اسلامی از قرون اولیه تا میانه است که شامل سفال‌های معمولی و مزین به خطوط کنده و نیز ظروف اسگرافیاتو و همچنین ظروف لعاب‌دار قرون میانه تا متأخر است (کلایس و کالمیر، ۱۳۸۵: ۳۰ تا ۳۵). از طرفی، قطعات ساده‌ی قرمز رنگ با پخت کافی و شاموت کانی در کاخ ناتمام خسرو در بیستون به‌وفور دیده می‌شود و نمونه سفال‌های لعاب‌دار ساده و اسگرافیاتو در کاروانسرای ایلخانی بیستون و تپه هله‌بگ (چهری و گراوند، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۷) و نیز محوطه‌ی پارک سراب هرسین (رهبر و دیگران، ۱۳۹۵) قابل مشاهده است. به‌دلیل ساخت خانه‌های معاصر در محیط قلعه و تخریب و آسفتگی لایه‌های بالایی، سفال‌های شاخص، آن‌چنان

که باید مشاهده نمی‌گردند. با این تفاسیر یافته‌های سفالی محل نیز تاریخ بنا را تأیید می‌نمایند (تصویر ۱۴).

### نتیجه‌گیری

در سده‌ی چهارم هـ.ق. قلعه‌ی سرماج هرسین توسط حسنیویه، احداث و یا در واقع بازسازی گردید. پژوهش فوق با هدف پاسخی مناسب برای برخی سؤالات و ابهامات در مورد این قلعه انجام پذیرفت. در پاسخ به سؤال اول پژوهش، باید



► تصویر ۱۴. عکس و طرح سفال‌های قلعه‌ی سرماج (نگارندگان، ۱۳۹۴).

| شماره سفال | نوع قطعه | پوشش درونی | پوشش بیرونی | شیوه ساخت | رنگ             |              |              | میزان پخت | شا موت | تزیین              | توضیح         | منبع مقایسه               |
|------------|----------|------------|-------------|-----------|-----------------|--------------|--------------|-----------|--------|--------------------|---------------|---------------------------|
|            |          |            |             |           | درون            | بیرون        | خمیره        |           |        |                    |               |                           |
|            |          |            |             |           | ۱               | کف           | لغاب رنگی    |           |        |                    |               |                           |
| ۲          | کف       | لغاب رنگی  | لغاب رنگی   | چرخ‌ساز   | آبی             | نخودی        | نخودی        | کافی      | کافی   | —                  | اوایل اسلامی  | همان                      |
| ۳          | لبه      | لغاب رنگی  | لغاب رنگی   | چرخ‌ساز   | سبز، سفید، سیاه | سبز          | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | اسگرافیتو          | اوایل اسلامی  | همان: البوم ۳۰            |
| ۴          | بدنه     | لغاب رنگی  | لغاب رنگی   | چرخ‌ساز   | لغابدار         | لغابدار      | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | اسگرافیتو          | اوایل اسلامی  | همان، ۲۱۰                 |
| ۵          | بدنه     | گلی غلیظ   | گلی غلیظ    | چرخ‌ساز   | نخودی روشن      | بز           | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | خطوط کنده موج      | اوایل اسلامی  | همان: البوم ۳۲            |
| ۶          | بدنه     | گلی غلیظ   | گلی غلیظ    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای         | قهوه‌ای      | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | نوار عمیق خطوط موج | —             | همان                      |
| ۷          | لبه      | گلی رفیق   | گلی رفیق    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای         | قهوه‌ای      | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | —                  | اشکانی        | محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱: ۲۲ |
| ۸          | لبه      | گلی رفیق   | گلی رفیق    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای تیره    | نخودی        | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | —                  | اشکانی ساسانی | همان: لوح ۳: ۳۹           |
| ۹          | کف       | گلی غلیظ   | گلی غلیظ    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای قرمز    | قهوه‌ای قرمز | قهوه‌ای قرمز | کافی      | کافی   | —                  | ساسانی اسلامی | —                         |
| ۱۰         | لبه      | گلی رفیق   | گلی رفیق    | چرخ‌ساز   | نخودی           | نخودی        | نخودی        | کافی      | کافی   | شن و سنگریزه       | —             | ساسانی                    |
| ۱۱         | بدنه     | گلی غلیظ   | گلی غلیظ    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای روشن    | نخودی تیره   | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | خطوط کنده موازی    | ساسانی اسلامی | —                         |
| ۱۲         | لبه      | گلی غلیظ   | گلی غلیظ    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای         | قهوه‌ای      | قهوه‌ای      | کافی      | کافی   | —                  | ساسانی        | همان: لوح ۸: ۲۸           |
| ۱۳         | کف       | لغابدار    | لغابدار     | چرخ‌ساز   | سبز             | سبز          | نخودی        | کافی      | کافی   | —                  | ساسانی اسلامی | همان: لوح ۱: ۱۶           |
| ۱۴         | بدنه     | گلی غلیظ   | گلی غلیظ    | چرخ‌ساز   | قرمز تیره       | قرمز تیره    | نخودی        | نا کافی   | ترکیبی | —                  | مس‌سنگی جدید  | Young, 1969: 3-6          |
| ۱۵         | بدنه     | گلی غلیظ   | گلی رفیق    | چرخ‌ساز   | قهوه‌ای قرمز    | قرمز         | قهوه‌ای دودی | نا کافی   | ترکیبی | نقوش دالمایی       | مس‌سنگی میانه | Hamlin, 1975: 125         |

اذعان نمود که متون تاریخی و تعداد زیادی از مورخان نامی، به قلعه‌ی سرماج و احداث آن توسط شخص حسنویه اشاره نموده و آن را مقر این پادشاهی دانسته‌اند؛ اما از دیدگاه فعالیت‌های باستان‌شناختی، از قلعه‌ی سرماج، شش قطعه سنگ مزین به خطوط کوفی مزهر باقی‌مانده است که گواه و سند دوره‌ی مذکور می‌باشند. نقوش کتیبه‌ها از کیفیت هنری بالایی برخوردار بوده که متأثر از هنر دوره‌ی عباسی است. در یافته‌های سفالی محوطه نیز، نمونه‌های متعلق به اوایل دوره‌ی اسلامی مشاهده گردید. با این تفاسیر، در مورد تعلق قلعه‌ی سرماج به دوره‌ی حسنویه، تقریباً تردیدی نمی‌ماند. در دومین سؤال پژوهش، موضوع ارتباط قلعه با دوره‌ی ساسانی به میان آمده است. با نگاهی به پلان و فرم قلعه، بنایی مربع‌شکل دیده می‌شود که یادآور پلان اکثر بناهای مشابه دوره‌ی ساسانی از جمله کاخ بیستون، قلعه‌ی هرسین و معبد آناهیتای کنگاور است. بیشتر مشخصات مهم این قلعه، اعم از: فرم، پلان، مصالح و حتی اجزای آن، نظیر: حصار، خندق و سنگ‌های تراش‌دار به سبک و سیاق قلاع دوره‌ی ساسانی بنا شده است. نمونه‌های مشابه بلوک‌های تراش‌دار قلعه‌ی سرماج را می‌توان در بناهای ساسانی بیستون، هرسین، کنگاور و... مقایسه نمود. در متون تاریخی نیز به احداث و بازسازی قلعه توسط حسنویه بر روی سازه‌های ساسانی اشاره شده است. لوشای نیز دیواری از قلعه را در تصویری نشان می‌دهد که آن را معرف هنر معماری ساسانی دانسته و این دیوار را متعلق به یک قلعه می‌داند. در دیوارهای قلعه، خانه‌های مسکونی اهالی و روی قبرستان روستا، سنگ‌های تراش‌دار دیده

می‌شود که مشابه سنگ‌های به‌کار رفته در کاخ و پل‌های ساسانی بیستون، محوطه‌ی سراب هرسین و معبد آنهیتای کنگاور می‌باشند. یافته‌های سفالی نیز سفال‌های معمولی این دوره را شامل می‌شوند. با این تفاسیر، سؤال دوم نیز با فرضیه‌ی دوم مطابقت دارد و قلعه‌ی سرماج بر روی یک سازه‌ی مشابه ساسانی احداث گردیده است. امید است که با پژوهش‌های بیشتر، خصوصاً کاوش بنا، بتوان اطلاعات ارزشمندی را به‌دست آورد.

### کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۵۱، *تاریخ الکامل*، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، چاپ اول، انتشارات شرکت چاپ و نشر ایران.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد، بی‌تا، *تجارب الامم*، به‌اهتمام: کائناتی، جلد ۶.
- ادکایی، پرویز، ۱۳۷۴، «مدخل آل حسنیویه»، در کتاب: *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲، ج اول، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- چهری، رامین، ۱۳۹۶، «گزارش پی‌گردی مختصر پیرامون حوض سنگی دوره‌ی ساسانی سراب هرسین»، اداره میراث‌فرهنگی کرمانشاه (منتشر نشده).
- چهری، محمداقبال، ۱۳۸۸، «بازنگری بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان هرسین»، آرشیو اداره میراث‌فرهنگی استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- چهری، محمداقبال و گراوند، زاهد، ۱۳۹۱، «در جستجوی سلطان‌آباد چمچمال، مقایسه در منابع تاریخی با یافته‌های باستان‌شناختی تپه هله‌بگ»، *مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۲، دوره ۴، پاییز و زمستان (شماره پیاپی ۶)، دانشگاه تهران، صص: ۶۱-۵۱.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۸۱، *نزهة القلوب*، به‌کوشش: محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، انتشارات حدیث امروز، قزوین.
- خواندمیر، میرغیاث‌الدین، ۱۳۵۳، *حبیب‌السییر*، به‌کوشش: محمد دبیرسیاقی، انتشارات گلشن، تهران.
- رهبر، مهدی و پوربخشنده، خسرو و چهری، رامین، ۱۳۹۵، «گزارش یک فصل گمانه‌زنی در پارک تاریخی سراب هرسین»، اداره میراث‌فرهنگی استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- رحیمی، کیومرث، ۱۳۷۹، *هرسین در گستره تاریخ*، چاپ اول، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری کوثر، کرمانشاه.
- زکی بیگ، محمدامین، ۱۳۸۱، *زبده تاریخ کرد و کردستان، یدالله روشن اردلان*، چاپ اول، جلد ۲، انتشارات توس، تهران.
- فقیهی، علی اصغر، ۱۳۶۵، *آل بویه*، چاپ اول، انتشارات صبا، تهران.
- گلزاری، مسعود، ۱۳۵۸، *کرمانشاهان و کردستان*، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات انجمن آثار علمی، تهران.
- کلایس، ولفرام و لوشای، هاینتس و کالمایر، پتر، ۱۳۸۵، *بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ میلادی*، ترجمه: فرامرز نجدسمعی، سازمان

میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، تهران.  
 - لوشای، هاینس، ۱۳۸۵، «محوطه‌های باستانی همجوار بیستون»، در کتاب:  
 بیستون؛ کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م، ترجمه: فرامرز نجدسمیعی،  
 سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، تهران، صص: ۴۰۳-۴۰۹.  
 - مترجم، عباس و محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۱، «بررسی، شناسایی و مستندسازی  
 آثار باستانی شهرستان هرسین»، آرشیو اداره میراث‌فرهنگی و گردشگری استان  
 کرمانشاه (منتشر نشده).  
 - مردوخ، شیخ محمد، ۱۳۶۶، تاریخ مشاهیر کرد و کردستان و توابع، چاپ دوم،  
 انتشارات غریقی، سنندج.  
 - محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، «بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی  
 زاگرس مرکزی»، پایان‌نامه دکتری، به‌راهنمایی دکتر محمدرحیم صراف، دانشکده  
 علوم انسانی دانشگاه تربیت‌مدرس تهران (منتشر نشده).

-Hamlin, C., 1975, "Dalma Tepe", *Iran* Vol. XIII, pp.111-127.

-Husing, S., 1921, "Iran imMittelalternach den arabischen", *Geog-  
 raphen*, IV 486f.

- Young, T. C. Jr., 1969, *Excavations at Godin Tepe.first progress Report*,  
 Royal Ontario Museum Art and Archaeology Occasional papers No.17, To-  
 ronto.